

# غواصان ماهر، درهای گران بها

## هدایت مالی قرآن

نرگس سادات حسینی

### چکیده

«قرآن کریم»، سند اصلی نبوت رسول خدا(ص) و مشتمل بر امهات مدعیات آن حضرت است. اگر هدایتگر نباشد، دست رسول خدا(ص) از حجت، تهی و رسالت وی بیهوده خواهد شد. قرآن کریم به عنوان تنها کتاب هدایت، اکنون در دست انسان‌ها قرار دارد و مستقیماً از طرف خداوند برای هدایت بندگانش فرستاده شده است و با بهترین روش‌ها، هدایت انسان‌ها را بر عهده دارد. این کتاب بزرگ و عمیق، به غواصان ماهری احتیاج دارد که در حقایق آن غور کنند و درهای گران‌بهای آن را در اختیار بشریت قرار دهند.

هدایت، فروغ و روشنایی درونی پدیده‌هاست که در سایه‌ی آن، موجودات با علم و آگاهی یا بدون آن، در مسیر صحیح قرار می‌گیرند و برای رسیدن به مقصد نهایی و سعادت حقیقی می‌کوشند. با این نورانیت درونی پدیده‌ها، فرمانروای بلامنازع قلمرو وجود، خداوند متعال، سکان و ناصیه‌ی عالم را به دست دارد و به سمت مقصود رهبری می‌کند.

بنابر گستردگی دایره‌ی وجود، هدایت سلسله‌مراتبی دارد. اقسام هدایت در نظامی طولی، به‌طور پیوسته به شکلی که هر مرتبه از آن به مرتبه‌ی دیگر وابسته است، قرار گرفته‌اند. این نظام در حقیقت به نظام وجود بازمی‌گردد. از هدایت تکوینی آغاز می‌شود و به والاترین مراتب هدایت خاصه که مختص انسان است، ختم می‌شود.

### مقدمه

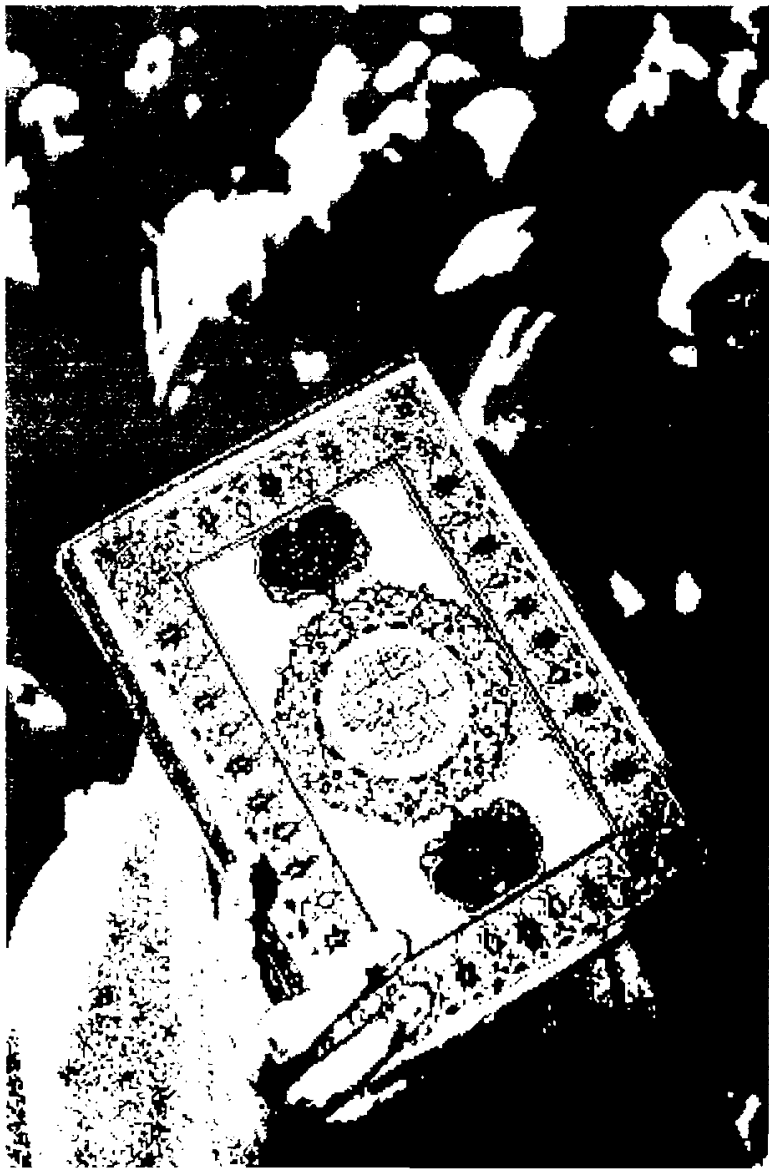
از مسائل بسیار بارز در قرآن، اهمیت دادن به هدایت انسان به سوی پروردگار خویش است. در این زمینه، آن‌گونه که به قوانین اساسی علمی تکیه کرده، به هیچ

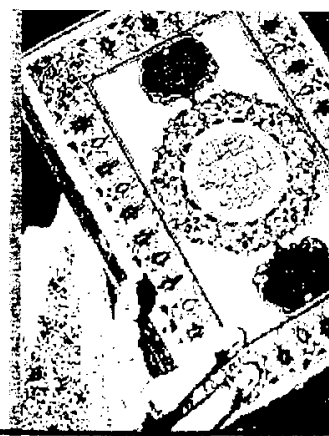
امر دیگری توجه نکرده است. مسائل مربوط به طبیعت حیوان یا نبات در طریق استدلال بر عظمت و وحدانیت خداوند، و لزوم شکر و طاعت او و پیروی از راه روشن قرآن، راه‌های هدایت انسان هستند. آیات قرآن انسان را متوجه می‌کنند که هدف آفرینش، سعادت انسان است تا به سوی آن چه صلاح اوست، هدایت یابد. قرآن برای هر مطلبی حدود و ثغور مشخص کرده و برای هر کاری درجه و اهمیت مخصوصی معین کرده است. در نتیجه، انسانیت را رشد و نمو داده و در عین حال، آزادی انتخاب را در انجام یا ترک هیچ کاری از او نگرفته است. «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً». قرآن کریم قانونی نیآورده است که عقل‌ها را شایسته سازد، اما در عمل و تطبیق با زندگی و واقعیات به لغزش و خطا رود. بلکه آن‌چه را که موجب هدایت او به رشد و کمال می‌شود، به صورت قوانینی در دستش قرار داده است. به علاوه، در عمل و تطبیق بیان واقعیات حیات و حریت و قدرت بر انتخاب، هماهنگی و تناسب کامل ایجاد کرده است. چون قرآن عین هدایت است و هدایت هم همان قرآن است، پس بررسی و تحلیل هدایت از طریق قرآن کریم که بیان همه‌ی معارف است، روشن خواهد شد.

برخی هستی‌را «مکانیکال»<sup>۱</sup> و خودگردان انگاشته‌اند و اگر هم به «خالقیت» خدا معتقد بوده‌اند، با انکار ربوبیت آفریدگار را ساعت‌ساز بازنشسته پنداشته‌اند. اما مطالعه‌ی «نظم و قانونمندی فعال» حاکم بر آفرینش و توجه به «حکمت بالغه» و «فیاضیت» حضرت احدیت، انگاره‌ی فوق‌رانی و نقض می‌کند. در قرآن کریم آمده است: «ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل النهار لآیات لاولی الالباب\* الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی

تذکره  
مجله علمی-تخصصی  
پژوهش‌های فلسفی و الهیات  
شماره ۱۰ - زمستان ۱۳۹۵

خلق السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا  
 سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» [آل عمران/ ۱۹۱-۱۹۰]: هر  
 آینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و  
 روز، برای خردمندان نشانه‌هایی است؛ آن کسانی که [در  
 همه حال] ایستاده و نشسته و خفته، خدا را یاد می‌کنند و  
 درباره‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]  
 که: ای پروردگار ما، تو این همه را باطل و بیهوده  
 نیافریده‌ای، منزهی تو، پس ما را از عذاب آتش نگاه دار.  
 و نیز آمده است: «و هو الَّذِي خلق السموات  
 والارض بالحق...» [انعام/ ۷۳]: و او کسی است که  
 آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است [نه بیهوده]...  
 هم چنین می‌خوانیم: «و ما خلقنا السماء والارض  
 ما بينهما باطلا...» [ص/ ۲۷]: زمین و آسمان و آنچه  
 را بین آن دو است، بیهوده نیافریدیم.  
 نیز فرموده است: «و ما خلقنا الجن والانس الا  
 ليعبدون» [ذاریات/ ۵۶]: جن و انس را نیافریدیم، جز  
 برای این که مرا پرستش کنند.  
 خداوند منان، همه‌ی موجودات را به سوی کمال  
 مطلوب آن‌ها هدایت می‌فرماید. هدایت‌های الهی مراتب  
 و انواع گوناگونی دارند که هر یک از آفریده‌ها به حسب  
 قابلیت و استعداد خود، مشمول مرتبه و نوع یا مراتب و  
 انواعی از هدایت‌های الهی می‌شوند. هدایت‌های الهی  
 از یک نظر به دو قسم «تکوینی» و «فرا تکوینی» تقسیم  
 می‌شوند [رشاد، بی تا: ۲۰۷].  
 هدایت تکوینی نیز به سه قسم طبیعی، غریزی و  
 فطری تقسیم می‌شود. خداوند متعال به هدایت تکوینی  
 آفریده‌ها چنین اشاره فرموده است: «قال ربنا الذي اعطى  
 كل شيء خلقه ثم هدى» [طه/ ۵۰]: [موسی در پاسخ  
 فرعون] گفت: پروردگار ما آن کسی است که خلقت هر  
 چیزی را عطا فرمود، سپس هدایت کرد.





هدایت فراتکوینی نیز به دو قسم «وحيانی» و «شرفانی» تقسیم می شود. نیز همه ی موجودات، حتی جمادات، در حریم او هیچ گونه ضلالت راه ندارد و اصلاً ضلالت پذیر نیست، چنان که نور، ظلمت پذیر نیست و حیات، مرگ بردار نمی باشد، همانا قرآن کریم است که آفریدگار جهان درباره ی آن چنین می گوید: «هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون» [انفال/ ۲۹]: این است بصیرت ها از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمت برای گروهی که ایمان آورند. قرآن در این آیه و در آیات دیگر، مانند آیه ی ۵۷ سوره ی یونس و ۶۴ و ۸۹ سوره ی نحل و ۲۰ سوره ی جاثیه، به عنوان عین هدایت و حقیقت آن معرفی شده است؛ چه این که در سوره ی شوری آیه ی ۵۲، به عنوان نور که یک حقیقت وجودی خاص است، شناخته می شود (ولکن جعلناه نوراً نهدی به من یشاء). و چون شک و تردید، ضلالت و تاریکی است و در حریم «هدایت» ضلالت را گذاری نیست و در متن نور، تاریکی مجالی نمی یابد، لذا چنین فرمود: «ذلک الکتاب لاریب فیهِ»: این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است.

یعنی نه شک در محتوای قرآن و نه ریب در مبدأ فاعلی آن و نه تردید در مبدأ نهایی آن، هیچ کدام از این ها در قرآن راه ندارد. و چون قرآن مصون از هرگونه ضلالت و بطلان است، چنین فرمود: «لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» [فصلت/ ۴۲]: و هرگز از پیش و پس این کتاب حق باطل نشود، زیرا فرستاده ی خدای مقتدر حکیم است. و چون بامایه ی شهود و پایه ی عقل همراه است، وزین و از هر خفت تهی و محفوظ است: «اناسلفی علیک قولاً ثقیلاً» [مزمل/ ۵]: ما به وحی خود، کلام بسیار سنگین را بر تو القاء می کنیم. و چون با فطرت درونی و نظام بیرونی جهان آفرینش هماهنگ است، تحمیلی بر نهاد انسان نخواهد بود: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» [القمر/ ۱۷]: و ما قرآن را برای وعظ و اندرز به فهم آسان کردیم. کیست که از آن پند گیرد؟

و از آلودگی هرگونه جهل و شک پاک، و قیم و نگهبان راهیان کمال است: «... یتلوا صحفاً مطهرة فیها کتب قیمه» [بینه/ ۳-۲]: رسولی از جانب خدا فرستاده شد تا کتب آسمانی پاک و منزّه را تلاوت کند. در آن کتب حقیقت و راستی است. و در قدرت احدی نیست که آن را مورد تطاول قرار

دهد، یا همانند آن را بیاورد. از مقام رفیعی برخوردار است و آورندگان آن فرشتگان با کرامت و پارسایند: «فی صحف مکرمه\* مرفوعه مطهره\* باید سفره\* کرام برره» [عبس/ ۱۶-۱۳]: آیات الهی را در صفحات مکرم نگاشته است. بسی بلندمرتبه و پاک است. به دست سفیران حق است که ملائکه ی عالی رتبه ی با کرامت اند. و گیرنده ی آن، قلب پاک پیامبری است که جز حق نمی یابد و غیر از حق نمی بیند: «نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنزین» [شعراء/ ۱۹۴-۱۹۳]: جبرئیل روح الامین نازل گردانید و آن را بر قلب تو فرود آورد تا خلق را متذکر سازی و از عقاب خدا برسانی. یا: «ما کذب الفؤاد ما رای» [نجم/ ۱۱]: آن چه دید دلش، حقیقت یافت و خیال نپنداشت.

و یا: «ما زاغ البصر و ما طغی» [نجم/ ۱۷]: از حقایق آن چه را که باید بنگرد، مشاهده کرد. خلاصه آن که مبدأ فاعلی او خداوندی است که جز حق نمی گوید: «و الله یقول الحق و هو یتهدی السبیل» [احزاب/ ۴]: و خدا سخن به حق می گوید و شما را به حقیقت راهنمایی می کند. بلکه حق از ذات او تنزل می کند: «الحق من ربک». و به تعبیر بلند امیرالمؤمنین (ع): «فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر ان یكونوا رأوا» [نهج البلاغه/ خ/ ۱۴۷]: و چون قرآن عین هدایت است، اگر حقیقت قرآن با انسانی باشد، همانا او مهتدی خواهد بود و در هدایت او هیچ گونه گمراهی وجود ندارد و در نتیجه، هیچ گونه هراس و نگرانی هم وجود نخواهد داشت.

بنابراین، چون قرآن عین «هدایت»، و «هدایت» همان قرآن است، بررسی و تحلیل حقیقت هدایت را باید با تبیین قرآن کریم که خود تبیان همه ی معارف است (و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء: نحل/ ۸۹) و به خوبی روشن است و روشننگر خود نیز خواهد بود، انجام داد. و چون قرآن دریای بی پایان معرفت است (و بحرأ لایدرك قعره: نهج البلاغه/ خ/ ۱۹۸) و گنجینه های فراوان علوم الهی است که حضرت سجاد (ع) فرمود: «آیات القرآن خزائن فکلما فتحت خزانه ینبغی لک ان تنظر ما فیها»، روشن می شود که تمام سخن های لازم درباره ی هدایت قرآنی گفته نشد و با این گونه مقاله ها نیز تسمیم نمی شود، بلکه راه تکمیل آن هم چنان برای آیندگان پوینده باز است.

زیر نویس

1. Mechanical

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. رشاد، علی اکبر. فلسفه ی دین. مرکز آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی. تهران.